



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

برای چه خلق شدیم؟

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
 الصلاة والسلام علی رسولنا محمد سید الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

انشاءالله این گردهمایی ادامه خواهد داد. چه کار در این دنیا انجام می دهیم؟ اکثر مردم بی دقت (بی توجه، حواس پرت) هستند از آنچه انجام می دهند، چرا آمدند، و چرا می روند. این دانش است. چرا خلق شدیم و برای چه زندگی می کنیم؟ این را نمی توانیم بلافاصله، اما به آرامی یاد بگیریم. این دلیل این حدیث است که می گوید، "إطلبوا العلم من المهد الی اللحد". یعنی، "به دنبال علم (دانش) از گهواره تا گور باشید." هنگامی که کودک خارج از رحم مادر می شود، شروع میکند به یادگیری به آرامی و در طول زمان یاد می گیرد. پرده چشم کودک باز می شود از زمانی که به دنیا می آید. فکر می کنیم چشم مان می بیند. در واقع، زمانی که کودک چند ماهه دارد، پس از چهل روز آن پرده بسته می شود. چشم ضروری بیننده، برای آن چیزهایی که نیاز است ببیند بسته می شود. در نوعی، کور می شویم، کور به دنیا حقیقت می شویم. آن یکی چشم به آرامی باز می شود و با آن می بینیم. سپس آن به آرامی آید می گیرد. خانواده ها به برخی از مردم می آموزند دلیلی براینکه به این دنیا آمدیم. آنها به فرزندان خودشان از دوران کودکی شروع می کنند به نشان دادند. پس از آن، خواجه (معلمان)، امامان و مرشد (راهنما) این کار را ادامه خواهد داد.

چرا الله عز و جل ما را به این دنیا فرستاد؟ او ما را فرستاد براینکه بتوانیم او را شکر کنیم و با او سپاسگزار باشیم. آنچه الله بهمان می گوید که انجام بدهیم، سپاسگزاری به او است. این را انجام بدهیم، الله عز و جل می گوید که نیز، عبادت است، عبادت مان است. باید الله را سپاسگزاری کنیم چونکه او ما را در این موقعیت خلق کرد، به عنوان زیبا ترین انسان در میان تمام خلقت خلق کرد. کسی که این را می داند، سپاسگزار است، به وجود الله اعتقاد دارد و راحت است. گروه دیگر، آنها اکثریت هستند. هر چه حکمت الله است، آنها ناسپاس هستند. بسیاری از مردم او را انکار می کنند، حتی با اینکه الله بهمان خیلی چیزهای خوب داد، بسیاری نعمت داد، و بسیاری از فرصت داد. و کسی که او را انکار نمی کند، بر علیه الله عز و جل شورش می کند. آنها همیشه گام شده هستند. آنها هرگز نمی توانند آرامش در ذهن خودشان پیدا کنند. آثار کارهای که آنها انجام می دهند نیاز نیستند و بی فایده هستند. او می تواند علم ترین باشد، متخصص ترین و موفق ترین در کار هایش باشد، اما او کار های بی سود، بی فایده انجام می دهد تا زمانی که او برای خودش مفید نباشد. او دنیا را از آخرت نگاه می کند، جای که او آنقدر محبوب بود، آنقدر بزرگ بود و آنقدر احترام داشت. چگونه به این رسیدیم؟ "این یعنی یک اشتباه کردم،"



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

می گوید. حتی نمی توانید به این جور مردان در این دنیا برسید، آنها ده محافظ در اطراف شان دارند. حتی نمی توانید به آنها

نزدیک بشوید چونکه، "من این هستم و من آن هستم." اما هیچ کسی در کنار شان باقی نمی ماند هنگامی که می میمیرند. سپس آنها جواب شان را در قدر پیدا می کنند. در قبر برای این جور مردان آسان نیست. برای شان سخت است هنگامی که نکیر و منکر با چوب در دست شان می آیند و بهشان می پرسند، "بگو، پروردگار شما کی است؟" البته، هیچ ایده در این مورد ندارند. آنها همه را انکار کردند. وقتی که آنها جواب یک سوال را نمی دانند، روی سر شان مجازات می رسد و با چوب ها به سر شان می زنند. سوال دوم، سوال سوم ... تمام زمان که آنها هیچ جواب نمی دانند، با خشونت و شکنجه بهشان برخورد می کنند، و بدبخت می شوند. همه او را خیلی بالا در دنیا برگزار می دادند و می گفتند، "شما این هستید، شما آن هستید ..." اما جا های است که فرد هیچ ارزش ندارد. هیچ کسی شما را نه میشناسد در مکانی که معروف نیستید، و احترام پیدا کند. این طوری هم در دنیا است. به عنوان مثال، اگر این شخص می رفت یک جای دیگر که هیچ کسی نمی شناسدش، او می تواند هر چقدر بخواهد از خودش تعریف کند، اما هیچ فایده ندارد اگر هیچ کی او را نمی شناسد. هیچ کدام از عامل شان در قبر ارزش ندارد. و این مکان مهم است. دنیا مهم نیست.

این حکمت الله است، در زمان های گذشته، یکی از آنهایی که مقدس هستند با مادرش نشستند بود. یک مرد معروف بر روی یک اسب زیبا گذشت. مادر او یک دعا برای فرزند خودش کرد: "انشاءالله وقتی بزرگ شدی شبیه او بشوید." این مقدس جواب داد: "پناه بر خدا، نمی خواهم شبیه این باشم." کمی بعد، یک زن آمد که داشتند لعنت می کردند، "شما زنا انجام دادید! یک دزد هستید!" این بار مادر به پسرش گفت: "الله خجالت تا این طوری نبرد." "و بچه جواب داد: "الله منم را این طوری کند." هنگامی که او پرسید، "چه می گویی؟" کودک جواب داد: "اولین یک فرد متکبر، مستبد و ستمگر بود. به همین دلایل گفتم الله من را مثل او نکند. دومین یک زن مظلوم بود. او نه مرتکب زنا شده و نه دزد بود. به همین دلیل گفتم که دوست دارم مثل او باشم، تحت ستم در نزد الله. او خیلی صبور بود و درجه اش در نزد الله بسیار بالا رفت." اولین خوب نه بود، حتی هنگامی که به نذر میرسید خوب بود. در مرحله دوم، بد نه بود، حتی هنگامی که به نذر میرسید که بد بود. این چیزی است که مردم باید یاد بگیرند و بدانند، خوب در نزد الله بودند. انجام دادند آنچه الله بهمان می گوید، و انجام دادند آنچه که حضرت پیامبر مان (ﷺ) می گوید شادی به ارمغان می آورد به یک فرد. حتی اگر به نظر می رسد سخت، آن را به راحتی به مردم به که به مردن خوشبختی می آورد. حتی اگر به نذر میرسید که سخت است، می تواند مردان را خوشحال کند. کسی که ستم و از حق دیگران سو استفاده می کند، هرگز آرامش پیدا نمی کند و همیشه نگران است. تاریکی این فرد حتی به مردان اطرافش اثر بد می گذارد.

خداوند اولیاء را برای برابمان فرستد که این چیزها را یاد بگیریم. هر والی (حضرت) روی قدم های پیامبر مان می رود. ۱۲۴۰۰۰ پیامبران آمدند. اولیاء به همان تعداد هستند. بالاترین ها، آنهایی هستند که، همینطور که حضرت پیامبر مان (ﷺ) گفت، اربعین (چهل تا) هستند. این را نیز در یک حدیث خوانده بودیم. به دلیل آنها بهمان نان روزانه داده می شود، با آنها باران مان می رسد، و با آنها پیروزی را به دست می آوریم. نمی تواند بدون آنها اتفاق بی افتد. این یک حدیث شریف است. هیچ نیاز



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

نیست به آن افراد های که می گویند و هابی بگویند، "وجود دارد و یا وجود ندارد." اینها کلمات های زیبا هستند که از دهان حضرت پیامبر مان (ﷺ)، بهمان رسیدند. او می گوید: "آنها چهل نفر هستند. هنگامی که یک از آنها از

این دنیا می رود، بلافاصله شخص دیگری به همان مکان می آید." دنیا نمی تواند بدون آنها باشد. در پایان، هنگامی که نزدیک روز قیامت بشود، زمانی که هیچ مسلمانی دیگری وجود نداشته باشد، آنها نیز دیگر نیستند. روز قیامت بر روی مشرکان و کفران می رسد. انشاء الله خداوند ما را مثل آنها نکند. او ما را از آنها قرار ندهد. که او ما را در میان کسانی که روز قیامت بهشان رخ خواهد داد نکند، چونکه بندگان ضعیف هستیم. خدا را شکر انتظار داریم که کسانی که یک شیخ را پیروی می کنند به یک حالت خوب می رسند.

الله عز و جل ما را انسان خلق کرده است. او بهمان همه زیبایی ها را داد، و ما را مسلمان کرد. مسلمان هستیم، و شکر به الله، راه حضرت پیامبر مان (ﷺ) را پیروی می کنیم. این دوره آخر زمان است، و فتنه و ناراحتی در همه جا ها هستند. این دوره آسان نیست و هر روز این را گوش می کنیم. مردان ترس دارد. مردان نگران هستند: چه قرار است اتفاق بیافتد، چه باقی می ماند؟ انشاء الله خوبی روی مان و بدی روی کفران باشد.

نصیحت دادند یک فرمان است. دین نصیحت است. افرادی که در این دین هستند باید پس از یک مرشد واقعی (راهنما) بروند. می گویند که شایان شیخ کسی که شیخ ندارد است. این موضوع، در این زمان، خیلی آشکار است، و خیلی روشن در همه جا ها است. باز هم، در حدیث شریف می گوید، "اگر تمام کسانی که در زمین و آسمان هستند، یک مسلمان بکشند، من همه آنها را به جهنم می برم. من بهشان هیچ رحمت نشان نمی دهم." آنها سعی می کنند همه مسلمانان را بکشند با گفتن، "شما یک کافر هستید." آنها با توجه به فکر خودشان دارند فتوا می دهند. بسیاری از احادیث و بسیاری از آیات وجود دارند. از کجا می آید این فهم شان که می گوید کی مسلمان است؟ بنابراین شیک شان شیطان است. شیطان خیلی خوب بهشان می آموزد. هیچ جوری دیگر ممکن نیست. چیزهای که انجام دادند، این کار های بد (شیطانی) که انجام دادند، نمی تواند در اسلام باشند. قطعاً از طریق شیطان است، و قطعاً راهی است که شیطان نشان داد. این غیر ممکن است و نمی تواند مسلمان باشند. به همین دلیل است که به برادران مسلمان می گویم: بیا این طرف، راه درست را پیدا کنید، و هرگز به راهی که نمی دانید نروید. آسیب میرسانید با قصد کار خوب انجام دادند. این یک بازی نیست. فکر نکنید که با کشتن خود تان در نجات هستید. این نیز حساب می شود.

یک روز موسی علیه سلام به الله عز و جل پرسید، "یکی از اولیاء خودت بهم نشان بده." پس الله گفت، "برو به آن غار، که در آن کسی است. زمانی که بروید، آنجا پیداش می کنید." او رفت، به بالای کوه رسید، و وارد غار شد. او فرد با یک بالش و یک قطعه کوچک لباس روی بدنش پیدا کرد. موسی علیه سلام گفت، "یک والی خواسته بودم." و الله گفت: "مال اینجا، او است. من هم به او در مورد بالش و تکه پارچه سوال می کنم هنگامی که ورد بهشت بشود." الله عز و جل این را در مرد ولی خودش گفت. حتی او سؤال خواهد می شود. آیا این افراد که آنقدر کار های انجام دادند فکر می کنند رد می شوند بدون که بهشان سوال کنیم؟ او خوشحال فکر می کند، "خودم را کشتم، من خودم را فدا کردم":



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

اگر این کار را انجام بدهید، کال ابد در دوزخ می روید. دانسته یا ندانسته، خون یک مسلمان را از بین بردید. نه، آنها در حال حاضر آن را آگاهانه انجام می دهند. آنها در جهنم تا ابد باقی می مانند.

به همین دلیل است که طریقت ها آنقدر مهم هستند. از طریق طریقت ها است، که راه اهل سنت و آل جماعت حضرت پیامبر مان (ﷺ) از آن زمان رسیده است. هیچ والی وجود ندارد که اهل سنت نه باشد. همه آنها از اهل سنت و آل جماعت هستند. وهابی ها نیز اولیاء را قبول نمی کنند. اگر گروه دیگر را به ذکر بیاوریم، آنها اصحاب (صحابه) را لعنت می کنند؛ آنها اولیاء ندارد. آنها در بیروت، به حکمت الله، علاقه مند به مقام (مقبره) ها هستند، اما شیطان دوباره یک راهی پیدا کرد که آنها را گمراه کند. آنها خارج از اهل سنت هستند. آنها از مذهب پنجم (مکتب فکری) هستند. کسانی که خارج از چهار مذهب ها هستند، مذهب پنجم هستند. آنها خارج از مذهب [اهل سنت] در نظر گرفته می شوند، چونکه آنها اکثر آنچه حضرت پیامبر مان (ﷺ) گفت قبول نمی کنند. آنها نیز اولیاء ندارند. با این حال، بسیاری از آنها می که در اینجا می بینید، همه آنها اهل سنت هستند. بد نه فهمید: از و با حاجی بکتاش ولی، همه آنها اهل سنت هستند. این یکی حضرت نیز درست مثل حاجی بیرم ولی است.

یک منطقه خرید در بیروت وجود دارد. ظاهراً، یک مقام در آن بازار وجود دارد. آنها آن را مخفی کردند چونکه که یک مناطق گران قیمت بود، آن را مخفی می کردند، و در بالای آن یک ساختمان ساخته شده است. این قایم خیلی سال ها بود. هنگامی که جنگ رخ داده است، بیست تا سی سال پیش، آن نابود شد و مقام در زیر ظاهر شد. کسانی که در این مورد صحبت کردند، آقایان از پنجم مذهب هستند و نه از ما ها هستند. آنها رفتند و مهمان نوازی و احترام خودشان روز و شب نشان دادند ... سپس آنها متوجه شدند که او اهل سنت و آل جماعت بود، بنابراین او را آنجا ترک کردند و بیرون رفتند. در این یک حکمت بزرگ وجود دارد. آنها این را درک نکردند. با اینکه آنقدر زمان آن را نگاه کردند، این را درک نکردند. در حال حاضر درک کنید: هیچ اولیاء از میان شما ها وجود ندارد. اولیاء همیشه از اینجا می آیند. این را قبول کنید (اعتقاد به دست بیاورید) و آن را به نفع خودتان می شود. آیا ما چیزی از دست می دهیم اگر آن افراد وارد این راه نشوند؟ در مقابل، بیشتر استراحت می کنیم. که همه به راه درست بیایند. آیا مردی که در مسیر اشتباه است در محله خودش او را دوست دارند؟ او را دوست ندارند. اما همه خوشحال و راضی می شوند اگر آن انسان یک راهنما بگیرد. او نجات می شود و کسانی که در اطراف او هستند خوشحال می شوند. برای ما ها، به نفع مان است اگر همه مردم یک راهنما بگیرند. به همین دلیل است این داستان ها را تعریف می کنیم.

راه درست، راه وسط است، راه حضرت پیامبر مان (ﷺ) است. او می گوید، "به هیچ کدام از اصحاب من لعنت نکنید. لعنت می شود کسانی که این کار را انجام بدهند." از یک طرف دیگر، او می گوید، "به اهل بیت من (خاندان پیامبر) احترام بگذارید. اهل بیت من اعتماد من است و به شما ها می دهم." "من به شما ها دو تا چیز می دهم. نمی افتید تا زمانی که آنها را محکم بگیرید. این قرآن و اهل بیت من هستند." در اینجا، تلاش می کنیم هر دو طرف ها را اطاعت کنیم، دستور های حضرت پیامبر مان (ﷺ). پیامبر مان نیز خوشحال است زمانی که این اتفاق می افتد. هنگامی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) خوشحال است، الله خوشحال است، و خداوند ما را دوست دارد. بیا، این هدف مان در دنیا است. آنچه که در آغاز صحبت گفتیم و آنچه نیاز دارید یادگیری بر اینکه الله و پیامبر دوست داشته باشند. آنچه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

ارزش دارد است که آنها دوست داشته باشند. براینکه آنها عاشقت بشوند، باید راهی که آنها نشان، توضیح، و آموزش می دهند پیروی کنید. تنها در این راه می توانید تبدیل به هدف عاشق شان بشوید.

آیا الله همه ما را دوست ندارد؟ این رست نیست. برخی از افراد بسیار اومانسیم هستند. آنها می گویند [و ادعای] می کنند که آنها تصوف هستند و چنین چیزهای می گویند. آنها همچنین حضرت بیچاره مولانا (مولوی) ما را به این موضوع می آورند. در حالی که مولانا بسیار شدید در برابر این افراد در مثنوی بود. آنها تنها یک کدام از نقاشی او نشان می دهند، که او نشسته است مثل یک درویش و یا او می چرخد. اومانسیم ها فکر می کنند او یک فرد نرم است. نه، قرآن نیز می گوید: "الله کافر را دوست ندارد."

چرا باید او آنها را دوست داشته باشد؟ آنها مرتکب شرک و توهین به حضرت پیامبر مان (ﷺ) می کنند. او دوست دارد افرادی را که به حبیب ترینش توهین می کنند؟ او این کار را نمی کند. این افراد که خارج از اهل سنت و آل جماعت هستند، به حضرت پیامبر مان (ﷺ) احترام نمی گذارند. به طوری که الله آنها را دوست ندارد. مردمی که الله دوست دارد، در ابتدا اهل سنت و آل جماعت است، کسانی که به پیامبرش (ص) احترام می گذارند. این خلاصه ای این موضوع است. برای چه او ما را خلق کرده است؟ خلق شدیم برای عاشق شدند به حضرت پیامبر مان (ﷺ)، و برای الله عز و جل پرستش کردند. الله عز و جل می گوید، "من نه غذا و نه نوشیدن از شما ها می خواهم." الله قوی و متین است. متین یعنی خیلی قوی تر است. این توصیه ها مهم هستند. همه ما انشاءالله در این راه ادامه خواهد داد. انشاءالله نیز عشق در اطراف مان گسترش کنیم. عشق در اطراف ما خیلی انشاءالله. انشاءالله دوستان و عاشقان حضرت پیامبر مان (ﷺ) افزایش بشوند. که برکت شان (نعمت ها شان) بر روی ما ها باشند.

و من الله التوفیق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمت عادل
درگاه ابوب سلطان